

ارتقای روستا به شهر و تأثیر آن در تحول تعامل‌های روستایی- شهری مطالعه موردی: بخش بیضاء - شهرستان سپیدان

حسن ایزدی* - استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شیراز

معراج نودری- کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، سازمان جهاد کشاورزی استان فارس

دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۹/۲۱ پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۲/۱۰

چکیده

در چند دهه گذشته ایجاد و نیز تقویت و بهبود تعامل‌های روستایی- شهری به عنوان یکی از ابزارهای توسعه هماهنگ و متعادل سکونتگاه‌های روستایی و شهری همواره مورد تأکید پژوهشگران و برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران بوده است. ایجاد و تقویت تعامل‌های روستایی- شهری مستلزم وجود شبکه شهری سازمان‌یافته مناسب و کارآمد و بارده‌های مختلف سلسله‌مراتبی در سطح سرزمین است. از این رو ایجاد و تقویت و توسعه شهرهای کوچک در عرصه‌های روستایی از راهکارهای مؤثر در این زمینه برشمرده شده است. در دو دهه گذشته ایجاد و شکل‌گیری شهرهای کوچک در نواحی روستایی کشور به دلیل تغییر در قوانین تقسیمات کشوری به شدت رو به افزایش بوده و عملاً موجب شکل‌گیری تعداد بسیار زیادی از شهرهای کوچک و روستا- شهرها در پهنه سرزمین شده است. در میان استان‌های کشور، فارس از جمله آنهایی است که با بیشترین تعداد این گونه تبدیل‌ها در دو دهه گذشته مواجه بوده است. حال پرسش اساسی این است که تبدیل روستاها به شهر تا چه حد به بهبود و تقویت و تحول در تعامل‌های روستایی- شهری انجامیده است؛ و این‌گونه شهرهای کوچک نوپا تا چه حد توانسته‌اند نقش خود را در این زمینه به خوبی ایفا کنند. در این مقاله با رویکرد توصیفی و تحلیلی و با به‌کارگیری روش‌های اسنادی و میدانی به بررسی و مقایسه کمیت و کیفیت و نوع تعامل‌های شهر بیضاء (نمونه موردی) با روستاهای حوزه نفوذ آن در دو مقطع قبل و بعد از شهرشدن، و نیز دگرگونی‌های شکل‌گرفته در تعامل‌های روستایی- شهری بر اثر تبدیل شدن به شهر پرداخته شده است. یافته‌ها حاکی از آن‌اند که با تبدیل شدن بیضاء به شهر، پیوندهای عملکردی و انسجام روابط فضایی در محدوده مورد مطالعه افزایش یافته است.

کلیدواژه‌ها: تبدیل روستا به شهر، تعامل‌های روستایی- شهری، شهر بیضاء، استان فارس.

مقدمه

شهرنشینی و توسعه شهری از ویژگی‌های بارز سده اخیر به شمار می‌آید و در دهه‌های آینده افزایش شتابان شهرنشینی و شهری شدن جهان از عمده چالش‌های پیش روی دست‌اندرکاران امور شهری، به ویژه در کشورهای در حال توسعه است (ایزدی، ۱۳۹۱). افزایش روند شهرنشینی در دهه‌های گذشته نه تنها شهرهای موجود را با گسترش فیزیکی و جمعیتی مواجه ساخته بلکه به دگرگونی سکونتگاه‌های روستایی و گذار یا تبدیل آنها به شهر نیز دامن زده است. چنین پدیده‌ای، شهرگرایی روستایی یا شهری شدن روستاها نامیده می‌شود. در واقع مهم‌ترین جنبه و پیامد شهرنشینی شتابان و گسترش فضایی و پیش‌روندگی فیزیکی شهرها، انضمام روستاها به محدوده شهرها و تبدیل مراکز روستایی به شهرهای کوچک است (ضیاءتوانا و امیر انتخایی، الف ۱۳۸۶، ۱۴۳؛ شریفی‌نیا و نورا، ۱۳۸۹، ۹۳).

در زمان حاضر همراه با مهاجرت‌های روستا به شهر و روند هر دم فزاینده آن، تبدیل روستا به شهر نیز به مثابه نوعی دگردیسی در سکونتگاه‌های انسانی، از چالش‌های عمده شهرنشینی به ویژه در کشورهای در حال توسعه به شمار می‌آید. کشور ایران هم به مانند بسیاری از کشورهای دیگر از این‌گونه تحولات بی‌نصیب نبوده و در چند دهه گذشته با افزایش گسترده شهرنشینی مواجه شده است. این رشد شهرنشینی به سه طریق رخ می‌نماید: افزایش طبیعی جمعیت در شهرها؛ مهاجرت روستاییان به مناطق شهری؛ و تبدیل نقاط روستایی به شهر. تبدیل نقاط روستایی به شهر نیز خود به سه طریق صورت گرفته است:

الف) رشد جمعیت در روستاهای بزرگاندام و پرجمعیت، آنها را به نقاط شهری تبدیل کرده است؛

ب) ادغام روستاها با یکدیگر، حد متعارف جمعیت نقاط شهری را در آنها به وجود آورده و موجب تبدیل آنها به کانون‌های شهری شده است؛ و

ج) روستاهایی که در پیرامون و حوزه نفوذ شهرها قرار داشته‌اند با توسعه فیزیکی این شهرها خود به فضاهای شهری بدل گردیده و در دل این شهرها هضم شده‌اند (ایزدی خرامه، ۱۳۸۰، ۹).

از جمله تأثیرات فزاینده شهرگرایی شتابان بر ساختار فضایی و جمعیتی ایران در نیم قرن اخیر، رشد فزاینده تعداد شهرها، از طریق تبدیل مراکز روستایی به شهرهای کوچک بوده است (کریمی و همکاران، ۱۳۹۱، ۸). تغییر قوانین تقسیمات کشوری در زمینه شناخت شهر در اوایل دهه ۱۳۷۰ و به دنبال آن افزایش روند تبدیل روستاها به شهر و شکل‌گیری مراکز شهری کوچک در نواحی روستایی، سبب شده است که تعداد شهرهای کشور از ۵۲۰ شهر در اواخر سال ۱۳۷۰ به ۱۱۶۷ شهر در خردادماه ۱۳۹۱ افزایش یابد. این خود افزایش تعداد روستا شهرها و شهرهای کوچک را در شبکه سکونتگاهی شهری کشور در پی داشته است.

در واقع تبدیل روستا به شهر از اقداماتی است که وزارت کشور با توجه به تقاضاهای گسترده مردم برای بهبود وضع و کیفیت زندگی و بهره‌مند شدن از امکانات و خدمات بهتر (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۹، ۳۵) و همچنین به منظور بهینه‌سازی نظام سیاسی و از میان بردن فاصله اجتماعی و اقتصادی بین شهر و روستا انجام داده است (ایزدی، ۱۳۹۱).

استان فارس نیز وضعیت کلی کشور را دارد؛ و در آن تعداد شهرها به واسطه تبدیل نقاط روستایی به شهر بسیار افزایش یافته است، به گونه‌ای که طی سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۰ به تعداد شهرهای استان ۵۴ شهر دیگر افزوده شده و جمع کل شهرهای استان به ۹۴ شهر افزایش یافته، و در اواخر دی‌ماه سال ۱۳۹۱ به حدود ۱۰۰ شهر رسیده است.

حال پرسش اساسی این است که تبدیل روستاها به شهر و شکل‌گیری شهرهای کوچک در محیط‌های روستایی، تا چه اندازه در توسعه منطقه‌ای و روستایی مؤثر بوده و به طور مشخص تا چه حدی موجب بهبود و تقویت و دگرگونی در تعامل‌های روستایی-شهری شده است. در این مقاله با بررسی و مقایسه کمیت و کیفیت و نوع ارتباطات و تعامل‌های شهر بیضا (نمونه موردی) با روستاهای حوزه نفوذ آن در دو مقطع قبل و بعد از شهرشدن، دگرگونی‌های به وجود آمده در تعامل‌های روستایی-شهری که ریشه در تبدیل روستا به شهر دارد، مشخص شده و مورد تحلیل قرار گرفته است. در واقع هدف این تحقیق بررسی ارتباط اداری و سازمانی شهر بیضا با روستاهای پیرامون و بررسی مبادله خدماتی این شهر با روستاهای مذکور و بررسی

حمل‌ونقل و جاده‌های ارتباطی این روستاها با شهر بیضاء و نقاط شهری برتر در دو مقطع زمانی پیش از شهرشدن و پس از آن است.

مبانی نظری

همواره توسعه و بهبود سکونتگاه‌های انسانی هم به عنوان هدف مطرح است و هم به عنوان راهی برای رسیدن به توسعه یکپارچه و پایدار؛ و بدون نظام سکونتگاهی مناسب و نیز سلسله‌مراتب عملکردی سکونتگاهی، اهداف توسعه تحقق نمی‌یابند. در تمامی رویکردهای توسعه که در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ و پس از آن مطرح شد، بر ایجاد، تحرک، تقویت و توسعه شهرهای کوچک تأکید شده و این باور شکل گرفته است که بدون توسعه شهرهای کوچک یا روستا شهرها، توسعه پایدار و به‌ویژه توسعه روستایی تحقق نمی‌یابد. شهرهای کوچک پیوندهایی محکم و قوی با نواحی روستایی دارند و این شهرها با توجه به کارکردهای بالفعل و بالقوه‌شان، می‌توانند در توسعه نواحی روستایی پیرامون مؤثر باشند (ایزدی خرامه، ۱۳۸۰). به عبارت دیگر، راهبردهای توسعه روستایی نمی‌توانند جدا از اقدامات تقویت شهرهای کوچک و یا روستا شهرها باشند، زیرا رشد شهرهای کوچک به طور مستقیم به شرایط اجتماعی و اقتصادی حوزه پیرامون و کشاورزی منطقه وابسته‌اند و ثبات جمعیت روستایی و تولید کشاورزی، از کارایی خدمات در شهرهای کوچک تأثیر می‌پذیرد.

از این روی به نظر می‌رسد که شکل‌گیری شهرهای کوچک یا شهرهای جدید روستایی از جمله روش‌ها برای برانگیختن نواحی روستایی باشند، و بدین طریق از تفاوت‌های منطقه‌ای در کشورهای در حال توسعه می‌کاهند (Salleh & Choguill, 1992, 13).

شهرهای کوچک می‌توانند در توسعه نواحی روستایی و کاهش فقر در آنها مؤثر باشند. آنها خدمات عمومی (مراقبت‌های بهداشتی، آموزشی و دولتی) و خدمات اختصاصی (تجارتی، حمل‌ونقل و شخصی) برای خود و مراکز روستایی مهیا می‌کنند. این‌گونه شهرها در عین حال دسترسی به بازارها را برای تولید و نهاده‌ها و کالای مصرفی و نیز اشتغال و فرصت‌های سرمایه‌گذاری، تا حدودی برای ساکنان فراهم می‌سازند و افزون بر آن در جذب موقت و دائمی

مهاجران از نواحی روستایی، مؤثرند. در چنین شرایطی هریک از این نقش‌ها این قابلیت را دارند که برخی از تأثیرات مثبت را بر توسعه و کاهش فقر بگذارند (Kammeier, 2003, 12). تاکنون در بیشتر نظریه‌ها و تجربه‌های توسعه‌ای متمرکز بر موضوعات شهر یا روستا، توجه و تأکید کمتری بر روابط بین این دو سکونتگاه شده است. این در حالی است که مطالعات تجربی متعدد حاکی از آن‌اند که پیوند بین مراکز شهری و حومه‌های آنها - مشتمل بر جابه‌جایی مردم، کالاها، سرمایه و یا دیگر تعاملات اجتماعی - نقش مهمی در فرایند تغییرات شهری و روستایی دارند. در محیط اقتصادی، بسیاری از سرمایه‌گذاری‌ها وابسته به تقاضا از سوی مشتریان روستایی است و دسترسی به خدمات و بازارهای شهری اغلب برای تولیدکنندگان کشاورزی بسیار مهم و ضروری است (Tacoli, 1998, 147).

اساساً شکل‌گیری شهرهای کوچک به عنوان پایین‌ترین سطوح مراکز شهری و کانون‌های واسطه‌ای میان سکونتگاه‌های شهری و روستایی در اصلاح و تکمیل سازمان و روابط فضایی بین شهر و روستا اهمیت ویژه‌ای دارند. شکل‌گیری این شهرها به انسجام فضایی می‌انجامد و موجب ایجاد و تقویت پیوند فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی ساکنان هر منطقه می‌شود؛ و بدین ترتیب نه تنها شهرهای مذکور به عدم تمرکز فعالیت‌ها و خدمات در سطوح ملی و منطقه‌ای کمک می‌کنند بلکه یکپارچگی کارکرد شهر و روستا را نیز باعث می‌شوند. شهرهای کوچک همچون کانون‌هایی برای دامنه وسیعی از خدمات فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر دگرگونی شرایط اقتصادی بیشتر روستاییان عمل می‌کنند. این شهرها می‌توانند دسترسی به خدمات اساسی و امکانات رفاهی و آموزشی را برای بخش عمده‌ای از ساکنان روستاها فراهم سازند (Omaja, 1987, 87-90).

اصولاً شهرهای کوچک دو نوع خدمات شهری ارائه می‌کنند:

- ۱- خدماتی که عمدتاً مورد استفاده ساکنان خود شهرها قرار می‌گیرند، مانند مدارس؛
- ۲- خدماتی که دارای بعد منطقه‌ای‌اند و این کارکردها نیز علاوه بر ساکنان شهر به روستاهای اطراف نیز فایده می‌رسانند، مانند عرضه نهاده‌های کشاورزی و خدمات اعتباری.

به خاطر پویایی و توسعه شهرهای کوچک، بیشتر تلاش‌ها می‌بایست در تهیه و ارائه خدمات و نیز سرمایه‌گذاری در آنهایی که بتوانند برای مردم منطقه سودمند باشند و برای حوزه نفوذ نیز کاربرد داشته باشند تا مردم ساکن در این حوزه نیز از آنها بهره‌مند شوند (Bajracharya, 1995). در واقع بهره‌مندی از خدمات و دسترسی فیزیکی فزون‌تر جمعیت فقیر روستایی به خدمات و تسهیلات و فعالیت‌های مولدی که می‌بایست در شهرک‌ها و شهرها جای بگیرند، می‌تواند عامل مهمی در افزایش درآمدها و بالارفتن استانداردهای زندگی جمعیت روستایی به شمار آید (Rondinelli, 1985, 81-82). در واقع شهرهای کوچک می‌توانند صرفه‌جویی ناشی از مقیاس کافی برای امکان استقرار خدمات بالاتر را از هر نوع - چه خدمات عمومی و چه اقتصادی- تأمین کنند (Poppe, 1991, 339).

شهرهای کوچک می‌توانند ابزار مؤثر و کارا برای بهبود پیوندهای روستایی- شهری باشند (Gaile, 1992, 131). از طرف دیگر، آنها می‌توانند به عنوان حلقه واسط بین نواحی روستایی و سطوح بالاتر سلسله‌مراتب شهری عمل کنند (Pederson, 1995, 79). توسعه شهرهای کوچک برای توسعه افزایش تولیدات کشاورزی و همچنین مبادله کالاها بین شهر و حومه و مشارکت اقتصادی بین شهر و حومه، سودمند است؛ آن هم بدین خاطر که این شهرها نقاط تعیین‌کننده‌ای برای بهبود و افزایش همکاری دوجانبه بین کارگران و روستاییان و بین شهر و حومه هستند (Deyin & Zongfen, 1982, 25 - 26).

به طور کلی می‌توان پیوندهای بین شهر و روستا را در این شش گروه طبقه‌بندی کرد:

- فیزیکی (جاده‌ها، انرژی، آبراه‌ها)؛
- اقتصادی (پیوندهای تولیدی رفت و برگشتی و جز اینها)؛
- جابه‌جایی‌های جمعیتی (تمام اشکال مهاجرت، شامل رفت و آمدهای روزانه)؛
- خدمات (بخش دولتی و خصوصی)؛
- شبکه و سازمان سیاسی و اجتماعی؛ و
- جاری شدن اطلاعات و پراکنش نوآوری‌ها (Kammeier, 2003, 10).

در حالت کلی دو نوع پیوند بین روستا و شهر به چشم می‌خورد. نخست، نوع پیوندهای فضایی است مشتمل بر - و مرتبط با- جریان‌های مردم، کالاها، پول (برای مثال، در شکل

ارسال پول)، فناوری دانش، اطلاعات و مواد زائد و از لحاظ فیزیکی، جریان‌های آب، بیومس، تولیدات و غذا. نوع دوم، پیوندهای بخشی هستند، همچون جریان کالاهای کشاورزی که به شهرها و نواحی پیراشهری هدایت می‌شود و کالاهایی که از نواحی صنعتی شهری به نواحی روستایی ارسال می‌گردند (Braun, 2007, 3).

منطق به‌کارگیری شهرهای کوچک برای بهبود پیوندهای روستایی - شهری، ریشه در نیازهایی از این دست دارد:

۱- جذاب‌ترین و قانع‌کننده‌ترین منطق برنامه شهرهای کوچک، اهمیت پیوندهای روستایی - شهری در رشد اقتصاد بازار کشاورزی است؛ و گسترش بخش کشاورزی در رشد اقتصادی برخی از اقتصادهای در حال توسعه نقش تعیین‌کننده دارد؛

۲- نیاز به بهبود دسترسی بازارها برای نهادهای کشاورزی؛

۳- ایجاد زمین‌های اشتغال برای نیروی کار مازاد روستایی؛ و

۴- ایجاد بازار برای کالاهای کشاورزی (Gaile, 1992, 133 - 134).

به طور کلی ابعاد تقویت پیوندهای روستایی - شهری تأثیر مطلوبی بر بهره‌وری و تولید کشاورزی و رفاه روستایی و ثبات منطقه‌ای می‌نهد. چنین ابعدی عبارت‌اند از بهبود در بازارهای کشاورزی و خدمات در مراکز بازاری، تمرکز خدمات عمومی سطح بالا در مراکز شهری برگزیده، افزایش مشاغل در شهرهای کوچک در نواحی روستایی، بهبود حمل‌ونقل درون منطقه‌ای که به رفت و آمدهای روزانه بین شهر و حومه و مهاجرت دورانی کمک می‌کند (UNCHS (Habitat), 1985, 37).

برای بهبود پیوندهای روستایی و شهری از طریق شهرهای کوچک، توجه به پیوندهای فیزیکی (راه‌های ارتباطی) بسیار اساسی است (Rondinelli, 186, 29 - 30). مطالعات انجام‌شده در امریکای لاتین نشان می‌دهد که گسترش حمل‌ونقل شهری و امکانات ارتباطی، نه تنها توسعه شهرهای کوچک را سبب می‌شود بلکه زمینه‌ای را برای یکپارچگی و به هم پیوستگی بازارهای این نواحی فراهم می‌آورد (شکوئی، ۱۳۷۳، ۳۰۳). به طور کلی بررسی نوشتارهای

تخصصی مرتبط با نقش شهرهای کوچک در توسعه روستایی و منطقه حاکی از وجود سه دیدگاه بدبینانه خوشبینانه و واقع‌گرایانه در این زمینه است (جدول ۱).

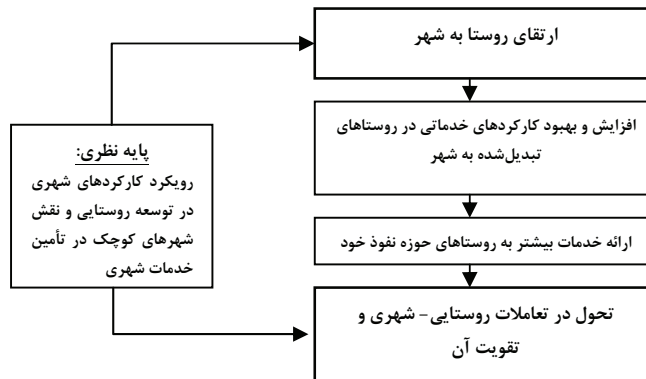
جدول ۱. دیدگاه‌های موجود در زمینه نقش توسعه‌ای شهرهای کوچک

شرح دیدگاه	نوع دیدگاه
- مطرح شده در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ - توسعه حوزه نفوذ از طریق پخش و رخنه به پایین نوآوری‌ها، خدمات و امکانات و ایجاد فرصت‌های شغلی - تمرکز دیدگاه بر رویکرد کارکردهای شهری در توسعه روستایی - پویا بودن شهرهای کوچک	خوشبینانه (فضایی- عملکردی)
- مطرح شده در دهه ۱۹۷۰ - تأثیر منفی یا ناچیز بر روی توسعه پیرامون - مبادله نابرابر بین مراکز شهری و روستایی و به نفع شهر و به زیان روستا (استثمار نواحی روستایی) - ایفای نقش انگلی از سوی شهرهای کوچک و انتقال منابع به سمت مادرشهرها	بدبینانه (اقتصاد سیاسی)
- تأکید نکردن بر نقش منفی یا مثبت شهرهای کوچک - توجه به ویژگی‌های حوزه نفوذ و شهرهای کوچک - تعمیم ندادن و تجویز نکردن نقش شهرهای کوچک در سطح جهانی - مثبت بودن نقش توسعه‌ای شهرهای کوچک به صورت مشروط - لزوم توجه به تقویت پایه‌های اقتصادی شهر کوچک و حوزه نفوذ و تقویت پیوندها بین شهرهای کوچک و پیرامون	میانه (واقع‌بینانه)

منبع: با استفاده از: کریمی و همکاران، ۱۳۹۱ و ایزدی خرامه، ۱۳۸۰

بررسی‌های اغلب کشورها حاکی از آن‌اند که نتایج اجرای سیاست تقویت و توسعه شهرهای کوچک عمدتاً مثبت و سازنده است و موارد منفی آن بسیار ناچیز است و در تمامی کشورها عمومیت ندارد. از جمله نتایج مثبت این سیاست، کند شدن روند مهاجرت به شهرهای بزرگ‌تر و جذب مهاجران در شهرهای کوچک‌تر، توزیع متعادل‌تر جمعیت و امکانات و فعالیت‌ها در درون کشورها، بهبود نظام سلسله‌مراتب سکونتگاهی شهری، افزایش تعداد شهرهای کوچک، تأثیرگذاری شهرهای کوچک بر توسعه نواحی روستایی تحت پوشش خود، تقویت پیوندهای شهری روستایی، و نظایر اینها (ایزدی خرامه، ۱۳۸۰).

در ایران نیز به مانند بسیاری از کشورهای دیگر، در دو دهه گذشته پژوهش‌های مختلفی در زمینه روابط شهر روستا و همچنین نقش شهرهای کوچک در توسعه روستایی و منطقه‌ای انجام گرفته که در بیشتر آنها به نقش مثبت این گونه شهرها در این زمینه از طریق بهبود و تأمین امکانات و خدمات و ایجاد فرصت‌های شغلی برای روستاییان و تثبیت جمعیت و کاهش مهاجرت‌های روستا به شهر اشاره شده است. به علاوه، بخش دیگری از پژوهش‌ها در ۱۵ سال گذشته (بعد از تغییر قوانین تقسیمات کشوری در زمینه شناخت شهر و افزایش روزافزون شهرهای کوچک و روستا شهرها)، درباره تأثیرات و پیامدهای تبدیل روستاها به شهر در ابعاد مختلف بوده، که با توجه به موضوع این مقاله به یافته‌های برخی از این تحقیقات در زمینه نقش ارتقای روستاها به شهر در بهبود کارکردهای خدماتی و تحولات تعاملات شهر و روستا اشاره شده است. در بیشتر این گونه پژوهش‌ها بر نقش مثبت تبدیل روستاها به شهر در بهبود کارکردهای خدماتی و تقویت پیوندهای آنها تأکید شده است. از این رو چارچوب نظری این تحقیق بر مبنای رویکرد مثبت به نقش توسعه‌ای کانون‌های شهری کوچک جدید و تأثیر ارتقای روستاها به شهر در افزایش و بهبود کارکردهای خدماتی و تقویت تعاملات روستایی شهری در نظر گرفته شده است (شکل ۱).



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

منبع: نگارندگان

روش تحقیق

شیوه انجام این تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی است و از روش‌های کتابخانه‌ای-اسنادی و عملیات میدانی (پرسشنامه، مصاحبه و مشاهده) استفاده شده و وضعیت متغیرهای مورد نظر در دو مقطع زمانی قبل و بعد از شهرشدن شهر بیضاء مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. بدین‌منظور تمامی جریان‌های اداری، آموزشی، درمانی، خرید روزانه، تعمیرگاه، پمپ بنزین و جز اینها در روستاها و شهر، و همچنین وضعیت تردد و ارتباطات زمینی روستاها از لحاظ بعد مسافت و نوع وسایل نقلیه در دو مقطع قبل و بعد از شهرشدن بیضاء بررسی شده و نتایج آن به صورت ترسیمی در قالب نقشه و جدول و تحلیل آماری درج گردیده است.

با توجه به تعداد زیاد روستاها و نیز همگن بودن منطقه مورد مطالعه، براساس روش نمونه‌گیری طبقه‌ای ۲۸ سکونتگاه روستایی از سه دهستان بانس، بیضاء و کوشک هزار، این بخش برای انجام مطالعات میدانی انتخاب شده است. در این ۲۸ روستا نیز ۳۳۴ خانوار روستایی (۱۵ درصد از کل) به عنوان حجم نمونه انتخاب و به صورت تصادفی برای تکمیل پرسشنامه تعیین شدند. همچنین ۸۶ خانوار شهری (۱۵ درصد کل خانوارهای شهر بیضاء) نیز به عنوان خانوارهای نمونه شهری به روش خوشه‌ای-مکانی انتخاب و پرسشنامه‌های مرتبط نیز تکمیل شده‌اند.

محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه در این تحقیق بخش بیضاء از توابع شهرستان سپیدان در استان فارس است، مشتمل بر ۸۲ آبادی و شهر بیضاء (که در تاریخ ۱۳۷۸/۲/۱۲ از تبدیل روستاهای هرابال و پشت‌باغ به شهر شکل گرفته است). این محدوده در جنوب شرق شهرستان سپیدان در جوار شهرستان‌های شیراز و مرودشت قرار دارد و فاصله آن با مرکز شهرستان و استان به ترتیب ۹۰ و ۵۵ کیلومتر است.

بخش بیضاء عمدتاً در منطقه‌ای دشتی قرار گرفته است و ۹۰۶/۱ کیلومتر مربع مساحت دارد. متوسط ارتفاع دشت از سطح دریا ۱۶۵۰ متر است و سکونتگاه‌های واقع در این دشت

عمدتاً در مرکز دشت و حاشیه‌های منتهی به ارتفاعات استقرار یافته‌اند. براساس سرشماری سال ۱۳۸۵ جمعیت بخش بیضاء ۳۷۳۳۵ نفر در قالب ۸۵۷۴ خانوار است که از این تعداد ۳۹۳۹ نفر در شهر بیضاء و ۳۳۳۹۶ نفر در روستاهای بخش سکونت دارند. تراکم نسبی جمعیت این بخش نیز ۴۱/۲ نفر در کیلومترمربع است. این محدوده دارای یک جاده ارتباطی مهم است که از شمال غرب به سمت جنوب شرق امتداد یافته و نقش عمده‌ای در ارتباطات درون و برون منطقه‌ای دارد (شکل ۳). اقتصاد شهر بیضاء بر پایه خدمات و کشاورزی و اقتصاد روستاهای پیرامون عمدتاً مبتنی بر کشاورزی به خصوص زراعت است.

یافته‌های تحقیق

ارتقای روستاهای هرابال و پشت‌باغ و تبدیل آنها به شهر بیضاء در تحول تعامل‌های فضایی این منطقه نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است که در ادامه بدان پرداخته می‌شود.

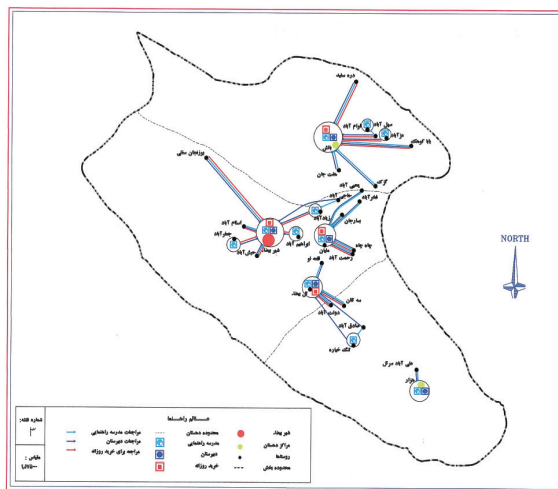
تغییرات در پیوندهای روستایی - شهری و حوزه نفوذ شهر بیضاء در مقاطع پیش از شهرشدن و پس از آن

حوزه نفوذ مستقیم شهر بیضاء قبل از شهرشدن ۶ روستا برای خرید روزانه، ۷ روستا برای بهره‌گیری از خدمات دبیرستان و ۱۱ روستا برای استفاده از خدمات درمانی بوده است؛ ولی بعد از تبدیل شدن آن به شهر به دلیل افزایش تعداد و کیفیت خدماتی که منشأ سفرهای روزانه برای روستاهای پیرامون بوده‌اند، حوزه نفوذ مستقیم شهر گسترده‌تر شده و روستاهای بیشتری در طیف خدماتی آن قرار گرفته‌اند. آمارهای ارائه‌شده شهرداری درخصوص پروانه‌های کسب تجاری صادرشده برای اولین بار از بدو تأسیس شهرداری بیضاء تا سال ۱۳۸۶ که ۱۲۰ فقره است، از افزایش خدمات تجاری و گسترده شدن حوزه نفوذ مستقیم شهر حکایت دارد. هم‌اکنون خرید روزانه ۲۰ روستای نمونه و عمده خرید ۴ روستای دیگر نمونه در این شهر انجام می‌شود؛ و این بسیار متفاوت با قبل است. درخصوص خدمات درمانی و آموزشی نیز همین وضعیت صدق می‌کند (ن.ک. نقشه‌های مربوط).

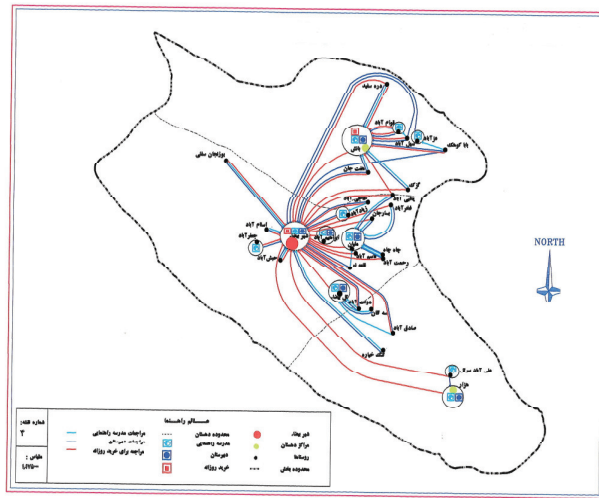
قبل از شهرشدن بیضاء به دلیل استقرار برخی از خدمات اداری مانند بخشداری، ثبت احوال، کمیته امداد، آبفا روستایی، آموزش و پرورش و جهاد سازندگی آن، حوزه نفوذ غیرمستقیم بیضاء شامل تمامی روستاهای بخش بود. در برخی از خدمات اداری همچون مرکز خدمات کشاورزی، اداره برق، دامپزشکی، دفتر پست و حوزه مقاومت بسیج، شهر بیضاء خود در حوزه نفوذ روستای تل بیضاء قرار داشت.

بعد از شهرشدن، انتقال مرکز خدمات کشاورزی و دامپزشکی و دفتر پست از تل بیضاء به این شهر و همچنین احداث پمپ‌بنزین و افزایش اداره‌هایی چون ثبت اسناد، نمایندگی شرکت گاز، بنیاد مسکن و دادگاه عمومی باعث تقویت خدمات شهر و انسجام روابط فضایی شهر با روستاهای پیرامون گردید.

به طور کلی حوزه نفوذ مستقیم شهر که قبل از شکل‌گیری شهر در روستاهای نمونه محدود به ۱۱ روستا بود، هم‌اکنون بیشتر روستاهای نمونه (و یا به عبارتی، بیشتر روستاهای بخش بیضاء) را دربرمی‌گیرد (جدول‌های ۲ و ۳، و شکل ۲ و ۳).



شکل ۲. نقشه مراجعه‌های آموزشی و خرید روزانه روستاهای نمونه، قبل از شهر شدن بیضاء



شکل ۳. نقشه مراجعه‌های آموزشی و خرید روزانه روستاهای نمونه بعد از شهرشدن بیضاء

جدول ۲. مقایسه مراجعه تعداد روستاهای نمونه به شهر بیضاء به تفکیک خدمات منشأ سفرهای روزانه، قبل و بعد از شهرشدن بیضاء

ردیف	نوع خدمات	قبل از شهرشدن		بعد از شهرشدن	
		درصد	روستاهای مراجعه‌کننده	درصد	روستاهای مراجعه‌کننده
۱	خرید روزانه	۱۲/۱۴	۶	۸۵/۷	۲۴
۲	مراجعه به دبیرستان	۲۵	۷	۶۰/۷	۱۷
۳	مراجعه به مرکز درمانی	۳۹/۳	۱۱	۷۴/۹	۲۱
۴	مراجعه به دفتر پست	۱۴/۳	۴	۱۰۰	۲۸

منبع: برداشت میدانی

جدول ۳. مقایسه محل مراجعه روستاهای نمونه در خصوص بهره‌گیری از برخی خدمات،

قبل و بعد از شهرشدن بیضاء

ردیف	نوع خدمات	محل مراجعه	
		قبل از شهرشدن	بعد از شهرشدن
۱	مرکز خدمات کشاورزی	روستای تل بیضاء و بانس	شهر بیضاء و بانس
۲	دامپزشکی	روستای تل بیضاء	شهر بیضاء
۳	دفتر پست	روستای تل بیضاء	شهر بیضاء
۴	دادگاه عمومی	مرکز شهرستان سپیدان	شهر بیضاء
۵	اداره ثبت اسناد	مرکز شهرستان سپیدان	شهر بیضاء
۶	نمایندگی شرکت گاز	مرکز شهرستان سپیدان	شهر بیضاء
۷	بنیاد مسکن انقلاب اسلامی	مرکز شهرستان سپیدان	شهر بیضاء

منبع: برداشت میدانی

به طور کلی بر اساس نتایج به دست آمده از این تحقیق، بعد از شهرشدن بیضاء تمامی روستاهای نمونه و به تبع آن روستاهای بخش - به استثنای روستای شیخ عبود - در حوزه نفوذ مستقیم شهر بیضاء قرار گرفته‌اند.

مقایسه میزان مراجعه خانوارهای نمونه روستایی، قبل و بعد از شهرشدن بیضاء

نتایج به دست آمده از مقایسه میزان مراجعه خانوارهای نمونه روستایی به شهر بیضاء در مقاطع پیش از شهرشدن و پس از آن، مشخص می‌سازد که تفاوت محسوس و معنی‌داری در این دو مقطع مشاهده می‌گردد؛ به گونه‌ای که میزان مراجعات حدود ۳/۹ درصد از خانوارهای نمونه روستایی به شهر بیضاء در حد خیلی زیاد و زیاد بوده و بعد از شهرشدن این مقدار به حدود ۶۴/۳ درصد رسیده است (جدول ۴).

جدول ۴. میزان مراجعه خانوارهای نمونه روستایی به شهر بیضاء قبل و بعد از شهرشدن آن

میزان مراجعه		قبل از شهرشدن		بعد از شهرشدن	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
خیلی زیاد	۱	۰/۳	۲۲	۶/۶	
زیاد	۱۲	۳/۶	۲۵۳	۵۷/۷	
متوسط	۱۴۸	۴۴/۳	۵۶	۱۶/۸	
کم	۱۴۰	۴۱/۹	۲	۰/۶	
خیلی کم	۳۳	۹/۹	۱	۰/۳	
جمع	۳۳۴	۱۰۰	۳۳۴	۱۰۰	

منبع: یافته‌های میدانی

آزمون مقایسه زوجی به روش ویلکاکسون نیز معنی‌دار بودن تفاوت میزان مراجعه را در سطح بسیار زیاد تأیید می‌کند (جدول ۵).

جدول ۵. آزمون تفاوت مراجعه‌های خانوارهای روستایی به شهر بیضاء در دو دوره قبل و بعد از

شهرشدن، با ویلکاکسون

شرح	رتبه‌ها	تعداد	میانگین رتبه‌ها	جمع رتبه‌ها	Z	سطح معنی‌داری
مراجعه به شهر بیضاء بعد از شهرشدن	منفی	۰ ^a				
	مثبت	۳۱۴ ^b	۱۵۷/۵	۴۹۴۵۵	-۱۵/۷۹۲	۰/۰۰۰
مراجعه به شهر بیضاء قبل از شهرشدن	برابر	۲۰ ^c				
	جمع کل	۳۳۴				

a میزان مراجعه خانوارهای روستایی به شهر بیضاء بعد از شهرشدن > میزان مراجعه خانوارهای روستایی به شهر بیضاء قبل از شهرشدن

b میزان مراجعه خانوارهای روستایی به شهر بیضاء بعد از شهرشدن < میزان مراجعه خانوارهای روستایی به شهر بیضاء قبل از شهرشدن

c میزان مراجعه خانوارهای روستایی به شهر بیضاء بعد از شهرشدن = میزان مراجعه خانوارهای روستایی به شهر بیضاء قبل از شهرشدن

بهبود کمیت و کیفیت خدمات‌رسانی شهر بیضاء به روستاهای پیرامون آن سبب شده است که در زمان حاضر حدود ۹۰ درصد از خانوارهای نمونه به صورت روزانه و یا هفتگی به این شهر مراجعه کنند که این خود حاکی از میزان تعامل‌ها و پیوندهای بین این شهر و روستاهای حوزه نفوذ آن است (جدول ۶).

جدول ۶. زمان مراجعه خانوارهای نمونه روستایی به شهر بیضاء

زمان مراجعه	فراوانی	درصد
روزانه	۷۱	۲۱/۳
هفتگی	۲۳۰	۶۸/۹
ماهانه	۳۰	۹/۰
شش ماه	۲	۰/۶
بدون پاسخ	۱	۰/۳
جمع	۳۳۴	۱۰۰

منبع: برداشت میدانی

وضعیت تغییر کمیت و کیفیت دریافت خدمات خانوارهای روستایی نمونه در زمان حاضر، در

مقایسه با مقطع قبل از شهرشدن بیضاء

بر طبق نتایج به دست آمده از پرسشنامه خانوارهای روستایی نمونه، اکثریت مطلق آنها بر این نکته اتفاق نظر دارند که اکنون میزان دریافت و کیفیت دریافت خدمات در شهر بیضاء بیش از مقطعی است که هنوز شهر نشده بود (جدول ۷). این خود مشخص می‌سازد که تبدیل روستای بیضاء به شهر در بهبود میزان و کیفیت خدمات‌رسانی آن بسیار مؤثر بوده است.

جدول ۷. نظر خانوارهای نمونه روستایی در خصوص میزان و کیفیت دریافت خدمات از شهر بیضاء در

قیاس با مقطع قبل از شهرشدن آن

نوع تغییر	میزان دریافت خدمات		کیفیت دریافت خدمات	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
افزایش	۳۲۸	۹۸/۲	۳۲۶	۹۷/۶
بدون تغییر	۶	۱/۸	۸	۲/۴
جمع	۳۳۴	۱۰۰	۳۳۴	۱۰۰

منبع: برداشت میدانی

به طور کلی علاوه بر دیدگاه مثبت خانوارهای نمونه روستایی در خصوص افزایش خدمات‌رسانی شهر بیضاء به روستاهای پیرامون آن، اغلب خانوارهای نمونه شهر بیضاء (۷۵/۶ درصد) نیز بر این عقیده‌اند که میزان خدمات‌رسانی این شهر اکنون بیش از پیش شده است.

نقش شهر بیضاء در تأمین انواع خدمات مورد نیاز خانوارهای روستایی نمونه

بر اساس نتایج به دست آمده، خانوارهای روستایی نمونه بیشتر به منظور رفع نیازهای اداری و اعتباری و همچنین امور بهداشتی به شهر بیضاء مراجعه می‌کنند و خرید مواد خوراکی، نهاده‌ها و وسایل کشاورزی، لوازم منزل، امور فرهنگی و آموزشی و پوشاک به ترتیب در اولویت‌های بعدی آنها قرار دارد. این خود مشخص می‌سازد که نقش غالب این شهر در امور اداری و اعتباری (خدمات بانکی) و تأمین نیازهای بهداشتی روستاهای حوزه نفوذ آن است (جدول ۸). شهر بیضاء علاوه بر تأمین برخی از کالاها و خدمات مورد نیاز، محل فروش اصلی بخش عمده‌ای از محصولات کشاورزی مورد نیاز بیشتر کشاورزان روستاهای پیرامونی نیز هست (جدول ۹)؛ آن هم به خاطر استقرار مراکز خرید گندم، جو، ذرت و نظایر اینها در این شهر.

جدول ۸. بیشترین میزان مراجعه خانوارهای روستایی نمونه به شهر بیضاء بر اساس نوع نیاز آنها

نیازها	فراوانی	درصد
مواد خوراکی	۲۷	۸/۱
لوازم منزل	۱۸	۵/۴
پوشاک	۲	۰/۶
وسایل و نهاده‌های کشاورزی	۲۳	۶/۹
امور فرهنگی و آموزشی	۱۲	۳/۶
امور اداری و اعتباری	۱۲۹	۳۸/۶
امور بهداشتی	۱۱۳	۳۳/۸
دیگر موارد	۱۰	۳/۰
جمع	۳۳۴	۱۰۰

منبع: برداشت میدانی

جدول ۹. مکان فروش تولیدات کشاورزی خانوارهای نمونه روستایی

مکان	فراوانی	درصد
روستای محل سکونت	۶۰	۱۸/۰
شهر بیضاء	۱۲۶	۳۷/۷
شیراز	۱	۰/۳
دیگر مناطق	۸۹	۲۶/۶
بدون پاسخ	۵۸	۱۷/۴
جمع	۳۳۴	۱۰۰

منبع: برداشت میدانی

وضعیت حمل‌ونقل و خطوط ارتباطی شهر بیضاء با روستاهای پیرامون و نواحی همجوار، در دو مقطع پیش از تبدیل شدن آن به شهر و پس از آن

پیش از آن که بیضاء به شهر تبدیل شود، میانگین بعد فاصله طی‌شدهٔ وسایل نقلیه عمومی روستاهای نمونه از مبدأ تا مراکز شهری مقصد (عمدتاً مرکز شهرستان سپیدان) ۱۵۶ کیلومتر بود. پس از تبدیل بیضاء به شهر، به دلیل استقرار امکانات و خدمات اداری مورد نیاز در آن و همچنین افزایش تعداد خدمات تجاری در این شهر مراکز شهری مقصد روستاهای پیرامون تغییر یافتند. بدین ترتیب شهر بیضاء به مثابه نخستین نقطه شهری مقصد روستاهای پیرامون مطرح گردید و یا به عبارتی حلقه ارتباطی روستاهای پیرامون با مراکز شهری برتر شد. بر همین اساس میانگین بعد فاصله طی‌شدهٔ وسایل نقلیه عمومی روستاهای نمونه از مبدأ تا مراکز شهری مقصد به ۷۲ کیلومتر کاهش یافت. همچنین وسیله نقلیه عمومی روستاهای حجم نمونه قبل از شهرشدن بیضاء به دلیل طولانی بودن مسیر تا مراکز شهری مقصد (شیراز و مرودشت و اردکان) عمدتاً مینی‌بوس بود ولی بعد از شهرشدن بیضاء باتوجه به کاهش بعد مسافت روستاهای نمونه تا مراکز شهری و مراجعه آنها به این شهر، سواری جای آن را گرفت.

بحث و نتیجه‌گیری

به طور کلی در دو دهه گذشته در کشور ایران تبدیل روستاها به شهر از زمینه‌های تغییر در نظام سلسله‌مراتب شهری و روستایی و پیوندهای میان این سکونتگاه‌ها بوده و گاه آثار و پیامدهای مثبت و منفی نیز به همراه داشته است. اگر شکل‌گیری شهرهای کوچک در محیط‌های روستایی به نحو مطلوب و با در نظر گرفتن ضوابط و معیارها و تجارب علمی صورت پذیرد، چه بسا پیامدهای مثبتی در بهبود تعاملات بین روستا و شهر داشته باشد و در دگرگونی ساختار فضایی و کالبدی محیط‌های روستایی و مناطق کشور مؤثر باشد. همچنین به واسطه جذب جمعیت و خدمات و امکانات در روستاهای ارتقایافته به شهر و اجرای طرح‌های توسعه در آنها، دگرگونی زیادی در بافت این‌گونه شهرهای کوچک نوپا رخ می‌دهد. همان‌گونه که در نمونه مورد مطالعه در این تحقیق مشخص گردید، شکل‌گیری شهر بیضاء بر افزایش روابط فضایی و تعاملات بین شهر و روستاهای پیرامون آن مؤثر بوده و محدوده حوزه نفوذ مستقیم شهر افزایش یافته است. در واقع با شکل‌گیری شهر بیضاء میزان مراجعه‌های مردم روستاهای پیرامون به این شهر، به دلیل جذب و استقرار برخی از خدمات و امکانات - و همچنین بهبود کیفیت آنها - بسیار افزایش یافته است. ناگفته نماند که افزایش تردد روستاهای پیرامون به شهر بیضاء و تبدیل وسایل نقلیه عمومی از مینی‌بوس به سواری، و کوتاه شدن بعد مسافت روستاها تا نخستین نقطه شهری مورد مراجعه و کاهش رفت و آمد به شهرهای دیگر همچون سپیدان و شیراز از جمله تأثیرات تبدیل شدن بیضاء به شهر بوده است. در واقع این شهر در محدوده مطالعاتی باعث تکمیل حلقه مفقود سلسله‌مراتب سکونتگاهی میان شهرهای بزرگ و روستاهای پیرامون شده، و پیوند عملکردی و انسجام روابط و سازمان فضایی را در محدوده مورد تحقیق تقویت کرده است. مقایسه یافته‌های این تحقیق با پژوهش‌های مشابه، دیدگاه خوشبینانه و مثبت را در زمینه نقش شهرهای کوچک در توسعه روستایی تأیید می‌کند. به علاوه با نتایج تحقیقات راندینلی، پدرسون، اوماجا و تاکولی در خارج از کشور و با نتیجه تحقیقات ایزدی (۱۳۸۰)، امیر انتخابی و ضیاء توانا، رضوانی، گلی و اکبری

رونیزی (۱۳۸۶)، رحمانی فضلی و پریشان (۱۳۸۷)، شریفی‌نیا و نورا (۱۳۸۹)، آذرخش، حسین‌پور و بریمانی (۱۳۸۹)، مهدی بیگی، مهدوی و علی حسینی (۲۰۱۰) و علی حسینی برقی، قنبری، سیف‌اللهی (۱۳۹۰) همخوانی دارد. لیکن ناگفته نماند که نتایج تحقیقات سرایی و اسکندری ثانی (۱۳۸۶) و نظم‌فر و کاملی‌فر (۱۳۹۱) حاکی از آن‌اند که ارتقای روستاها به شهر تأثیر چندانی در گسترش کارکردها به درون نواحی پیرامونی و حوزه نفوذ و ارائه امکانات و تسهیلات و ایجاد تعادل منطقه‌ای نداشته و نتوانسته است موجب تحول اساسی در تعامل‌های شهری و روستایی و بهبود آن شود.

به طور کلی برای اینکه ارتقای روستاها به شهر به عنوان نوعی دگردیسی در سکونتگاه‌های انسانی به دستیابی به اهداف توسعه روستایی و منطقه‌ای و نهایتاً توسعه ملی کمک کند و بازتاب‌های منفی آن نیز کمتر شود و یا به طور کامل مرتفع گردد، می‌بایست دو موضوع مشخص را در نظر گرفت. ابتدا باید ملاک و معیارهایی منطقی و علمی برای تبدیل روستا به شهر - و البته هماهنگ با اهداف و چارچوب راهبرد توسعه شهرهای کوچک- تعیین گردد. این خود نیازمند تغییر در برخی از معیارهای فعلی در زمینه شناخت شهر به ویژه در بعد جمعیتی است. دوم اینکه، به منظور سازماندهی و توسعه روستاهایی که تاکنون به شهر ارتقا یافته‌اند، می‌بایست راهبرد توسعه شهرهای کوچک تدوین گردد و ملاک عمل قرار گیرد. در این خصوص باید سیاست‌هایی را اعمال کرد تا پیوستگی و روابط متقابل هرچه بهتر بین شهرهای کوچک و روستاها ایجاد شود تا شهرهای کوچک پسرکرانه لازم و همچنین پویایی مناسب را در ابعاد مختلف اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی بیابند.

منابع

آذرخش صالح، حسین‌پور، رحمان و بریمانی فرامرز، ۱۳۸۹، بررسی نقش روستا شهرها در توسعه روستاهای پیرامونی (مطالعه موردی: روستا شهر چرام از شهرستان کهگیلویه)، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام، ایران، زاهدان، ۲۷-۲۵ فروردین ۱۳۸۹.

ایزدی خرامه، حسن، ۱۳۸۰، تبدیل روستا به شهر و نقش آن در توسعه روستایی، مورد مطالعه استان فارس، رساله دوره دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، به راهنمایی دکتر عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

ایزدی حسن، ۱۳۹۱، سیاست تبدیل روستا به شهر در ایران؛ چالش‌ها و پیامدها، همایش ملی جغرافیای سیاسی کاربردی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

برقی حمید، قنبری، یوسف و سیف‌اللهی، محمود، ۱۳۹۰، بررسی رضایتمندی ساکنان مناطق روستایی در تبدیل نقاط روستایی به شهر؛ جغرافیا (فصلنامه علمی - پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران)، دوره جدید، سال نهم، شماره ۳۱؛ زمستان ۱۳۹۰؛ صص. ۲۱۵-۲۳۳.

رحمانی فضلی، عبدالرضا و پریشان، مجید، ۱۳۸۷، تحولات ساختاری-کارکردی پس از تبدیل نقاط روستایی به شهر (مورد: شهر کانی سور - شهرستان بانه)، نشریه علوم جغرافیایی، ج ۹، ش ۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، صص. ۱۰۱-۱۲۸.

رضوانی، محمدرضا، گلی، علی و اکبریان رونیزی، سعیدرضا، ۱۳۸۶، نقش و عملکرد شهرهای کوچک در توسعه روستایی با استفاده از روش تحلیل شبکه مورد: دهستان رونیز (شهرستان استهبان)، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۱، پاییز ۱۳۸۶، صص. ۴۵-۵۸.

رضوانی محمدرضا، منصوریان، حسین و احمدی، فاطمه، ۱۳۸۹، ارتقای روستاها به شهر و نقش آن در بهبود کیفیت زندگی ساکنان محلی (مطالعه موردی: شهرهای فیروزآباد و صاحب در استان‌های لرستان و کردستان)، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، شماره ۱، بهار ۱۳۸۹، صص. ۳۳-۶۵.

سرایی محمدحسین و اسکندری ثانی محمد، ۱۳۸۶، تبدیل روستاهای بزرگ به شهرهای کوچک و نقش آن در تعادل بخشی ناحیه‌ای موردشناسی: ربوش شهرستان کاشمر، جغرافیا و توسعه، شماره ۱۰، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، صص. ۱۶۵-۱۸۲.

حسن ایزدی و معراج نوذری ————— تبدیل روستا به شهر و تأثیر آن در تحول تعامل‌های روستایی - شهری

شریفی‌نیا، زهرا و نورا، محمدرضا، ۱۳۸۹، بررسی نقش شهرهای کوچک در توسعه روستایی با استفاده از روش تحلیل شبکه؛ مطالعه موردی: دهستان نظام‌آباد (شهرستان آزادشهر)، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی، سال سوم، شماره اول، زمستان ۱۳۸۹، صص. ۹۳-۱۰۷.

شکوئی حسین، ۱۳۷۳، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری؛ جلد اول، چاپ اول، سمت، تهران.

ضیاءتوانا، محمدحسن و امیرانتخابی، شهرام، الف ۱۳۸۶، الگوی باغ‌شهرها؛ راهکاری برای توسعه شهرهای کوچک در فضای روستایی (مورد روستا - شهر حویق تالش)، مجله فضای جغرافیایی، سال هفتم، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۸۶، صص. ۱۶۶-۱۴۳.

ضیاءتوانا، محمدحسن و امیرانتخابی، شهرام، ب ۱۳۸۶، روند تبدیل روستا به شهر و پیامدهای آن در شهرستان تالش، جغرافیا و توسعه، شماره ۱۰، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، صص. ۱۲۸-۱۰۷.

طاهرخانی، حبیب‌الله، تبدیل روستاهای بزرگ به شهر، نگاهی به یک سیاست، مجله شهرداریها، دوره اول، شماره ۵.

کریمی بهرام، بدری سیدعلی، سلمان محمد، فدیری معصوم مجتبی، ۱۳۹۱، ارزیابی تأثیر ارتقای روستاها به شهر در توسعه مناطق کوهستانی از دیدگاه مردم محلی (مطالعه موردی: بخش دیلمان - شهرستان سیاهکل)، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، سال سوم، شماره سوم، صص. ۳۱-۱.

نظم‌فر حسین و کاملی‌فر، زهرا، ۱۳۹۱، تبدیل روستاهای بزرگ به شهرهای کوچک و نقش آن در تعادل بخشی ناحیه‌ای، دومین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت محیط زیست، ۲۶-۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۱، دانشگاه تهران، دانشکده محیط زیست.

وزارت کشور، دفتر تقسیمات کشوری/ <http://www.moi.ir>

- Bajracharya, Bhishna Nanda, 1995, **Promoting Small Towns for Rural Development: A View from Nepal**, Asia-Pacific Population Journal, Vol. 10, No.2, PP. 27 – 50.
- Braun Joachim von, 2007, **Rural-Urban Linkages or Growth, Employment, and Poverty Reduction**, Fifth International Conference on the Ethiopian Economy, June 7–9, p. 3.
- Deyin Yu & Sun Zengefon, 1982, **The Strategic Objective of Urban Development in China: Taking Vigorous Action to Develop Small Cities**, PP. 23- 33, Small Cities and National Development, Om Prakash Mothur, Nagoya Japan , UNCRD.
- Douglass Mike, 1998, **A Regional Network Strategy for Regional Reciprocal Rural – Urban Linkages** 1998, TWPR, Vol. 20, No. 1, PP. 1 – 33.
- Gaile Gary L., 1992, **Improving Rural – Urban Linkages Through Small Town Market – Based Development**, TWPR, Vol. 14, No. 2, PP. 131 – 148.
- Kammeier, Hans Detlef, 2003, **Regional: Rural Urban and Subregional Linkages in the Mekong Region: A Holistic Approach to Development and Poverty Reduction**, Asian development bank, September 2003.
- Mahdibeigi Homeira, Mahdavi Masoud and Alihosseini A., 2010, **Transforming Large Villages into Small Towns and Studying Their Role in Rural Development through Network Analysis Methodology: Rural district of Southern Behnam Arab (Javad Abad zone from the region of Varamin)**, Journal of Geography and Regional Planning, Vol. 3(6), PP. 158-168, June 2010 Available online at <http://www.academicjournals.org/JGRP> .
- Omoja Lawrence Onwura, 1987, **The Role of Small Towns in Rural Development in Borno State, Nigeria**, UK, London University (Ph.D.).

- Pederson, P.O., 1995, **The Small Town Agents-Their Policies and Strategies**, Regional Development Dialogue, vol 16, No. 2, PP. 76-84.
- Poppe Manfred, 1991, **Structure Planning for Medium-Sized Towns in Egypt, a Problem-Oriented Approach**, TWPR, vol. 13, No. 4, PP. 335-355.
- Rondinelli Dennis A., 1985, **The Crisis of Urbanization in Asia: Finding Alternatives to Megalopolitan Growth**, Journal of social-political and economic studies, vol. 10, No. 1, PP. 69-86.
- Rondinelli Dennis A., 1986, **Role of Small and Cities in The Development of Rural Regions**, PP. 23-32, Patterns of Change in Developing Rural Regions, R. Bar-El, A.Ben David-Val & G. Karaska (eds), Boulder, Colorado: Westview.
- Salleh, Chani B. & Charles L. Choguill, 1992, **New Towns in Rural Regions a Case Study From Malaysia**, Cities, Vol. 9, No. 2, PP. 138-149.
- Tacoli Cecilia, 1998, **Rural-urban Interactions: a guide to the literature**, Environment and Urbanization, Vol. 10, No. 1, PP. 147-166 .
- United Nations Centre for Human Settlement [UNCHS] (Habitat), 1985, **Population Distribution and Urbanization: A Review of Policy Options**, Nairobi Kenya, UNCHS (Habitat).